



بررسی مهرهای بدل چینی محوطه باستانی کلورز در مجموعه سامان دهی شده موزه ملی ایران

لیلی نیاکان^I

فهمیه همایون^{II}

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۷۳ - ۵۹
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۲
شناسه دیجیتال (DOI): 10.30699/PJAS.5.17.59

چکیده

حوضه آب‌ریز سپیدرود در استان گیلان، در جنوب دریای مازندران واقع شده است. این حوضه جغرافیایی بنا به شرایط اقلیمی و زیست‌محیطی مناسب با بهره‌گیری از منابع طبیعی از دیرباز مورد توجه گروه‌های انسانی و زیستگاهی مناسب برای محل تجمع این مردمان بوده و در طی هزاران سال، سهم بسزایی در ایجاد فرهنگ‌های باستانی این حوزه فرهنگی داشته است. کاوش‌هایی که در پنج دهه اخیر در شمال ایران، به‌ویژه در حوضه آب‌ریز سپیدرود به انجام رسید، موجب کشف فرهنگ‌های ناشناخته‌ای از اواخر هزاره دوم و اول پیش‌ازمیلاد در محوطه‌های باستانی مارلیک، کلورز، نصفی، جویین، جمشیدآباد و دیگر محوطه‌ها در عصر آهن در این حوزه فرهنگی شده است. این مقاله، تحقیق مقدماتی است بر تعدادی مهر بدل چینی مربوط به محوطه باستانی کلورز که در خلال سال‌های ۱۳۴۴ الی ۱۳۴۸ ه.ش.، در بررسی و کاوش‌های باستان‌شناسی توسط «علی حاکمی» و «عبدالحسین شهیدزاده» به دست آمده است. این مهرها در طی سامان‌دهی اشیاء موزه ملی ایران در سال ۱۳۸۹ ه.ش.، در مجموعه مهرهایی از محوطه‌های باستانی گیلان به نام «کلورز» شناسایی و ثبت گردید. هدف از این پژوهش، شناخت جغرافیای این حوزه فرهنگی، بررسی گونه‌شناسی، شیوه ساخت مهرهای بدل چینی و مداراک تجسمی موجود در شناخت نقوش در این برهه زمانی است. پرسش‌های این پژوهش عبارتند از: خاستگاه اصلی و بستر تاریخی و فرهنگی آن‌ها کجاست؟ آیا این مهرها دارای سبک محلی‌اند یا متأثر از دیگر حوزه‌های فرهنگی؟ مهرهای یافت شده در محوطه باستانی کلورز به کدام برهه تاریخی تعلق دارند؟ اساس این تحلیل‌ها متکی بر اطلاعات کاوش‌های انجام شده در این حوزه فرهنگی، سپس برگرفته از نقوش و توصیف مفاهیم نمادهای این مهرها که تجلی‌گر جهان بینی مردمان این حوزه فرهنگی است. نتایج این پژوهش به یک نتیجه‌گیری کلی در روند گونه‌شناسی، سبک‌شناسی مهرها و مستند کردن این یافته‌ها و مقایسه با دیگر استقرارهای مهم هزاره اول پیش‌ازمیلاد در افق‌های فرهنگی هم‌زمان چون: مارلیک، تول تالش، حسنلو و بین‌النهرین بوده است.

کلیدواژگان: گیلان، سپیدرود، کلورز، مهر استوانه‌ای، هزاره اول و دوم پیش‌ازمیلاد.

I. استادیار گروه اسلامی، پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

lilyniakan@yahoo.com

II. کارشناس ارشد باستان‌شناسی، پایگاه میراث جهانی تخت جمشید، شیراز، ایران.

مقدمه

هنر مهرسازی سابقه‌ای بس طولانی در تاریخ گذشته بشر دارد. انگیزه به وجود آمدن این صنعت را می‌توان در علاقه بشر نسبت به شناساندن خویش و نمایش حق مالکیت جست‌وجو کرد (نگهبان، ۱۳۷۲: ۲۱۰). مهرها علاوه بر احراز مالکیت در مناسبات تجاری، معاملات و دادوستدها از جمله مهور کردن انواع کالاها، انواع ظروف هم‌چون کوزه‌ها و خمره‌های مایعات استفاده شده و مفهوم امضاء صاحب کالا را نیز در پی داشته است؛ این خود بیانگر اعتبار بخشیدن به ثبت معاملات و ضبط توافق دو طرف قرارداد بوده است. نقوش حکاکی شده و تصاویر بر روی آن، منعکس‌کننده بیشترین اطلاعات و پیام‌هایی برای روشن ساختن اعتقادات، آداب و رسوم، باورهای قومی و تا حدودی شرایط اجتماعی، مذهبی، سیاسی، اقتصادی، هنر و معماری و زیست‌بوم از بقایای یک جامعه باستانی از یادرفته را می‌تواند بازسازی فرهنگی کند؛ ازسوی دیگر، مهر به صورت سند انتقال کالاهای تجاری در حوزه‌های فرهنگی هم‌جوار و یا دورتر در بافت اداری به کار می‌رفته است. فرآیند فوق، گویای اطلاعاتی از دیگر حوزه‌های فرهنگی و بیانگر چگونگی پیوندهای درخصوص روابط میان جوامع باستانی و ارتباطشان در تشکیلات مشترک است (Collon, 1990: 11).

موزه ملی ایران دارای مجموعه‌های بزرگی از مهرهای دوره‌های گوناگون تاریخی است؛ از جمله می‌توان به نمونه مهرهای مسطح و استوانه‌ای که در طی کاوش‌های باستان‌شناسی در پنج دهه گذشته از محوطه‌های باستانی شمال ایران در محدوده جغرافیایی سپیدرود چون: مارلیک، نصفی، رشی و کلورز به دست آمده اشاره کرد. آثار به دست آمده حاوی اطلاعات ارزنده و مهمی از جهات مختلف هنری، فرهنگی، اقتصادی و تجاری در دوران‌های مختلف تاریخی در این حوزه فرهنگی بوده است. هدف از ارائه این مقاله، شناسایی، بررسی شیوه ساخت و تاریخ‌گذاری مهرهای استوانه‌ای محوطه باستانی کلورز بوده است. این مهرهای آسیب‌دیده در طی سامان‌دهی انبارهای موزه ملی ایران، شناسایی و در اختیار بخش مهر و سکه قرار داده شد. یافته‌های تحقیق بیانگر اطلاعات جدیدی در روند شیوه‌های تهیه، ساخت، حکاکی و نوع سبک‌شناسی نقوش این مهرها با مقایسه نمونه‌های به دست آمده از دیگر محوطه‌ها استقراری و پیوندهای فرهنگی هم‌زمان درخصوص ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و ارتباطات تجاری در عصر آهن بوده است که در پژوهش پیش‌رو مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

پرسش‌های پژوهش: پرسش‌ها پژوهش عبارتند از: خاستگاه اصلی و بستر تاریخی و فرهنگی آن‌ها کجاست؟ آیا این مهرها دارای سبک محلی اند یا متأثر از دیگر حوزه‌های فرهنگی؟ مهرهای یافت شده در محوطه باستانی کلورز به کدام برهه تاریخی تعلق دارند؟

روش پژوهش: این پژوهش به شکل مطالعه تطبیقی از نوع پژوهش کیفی است. شیوه گردآوری اطلاعات، روش کتابخانه‌ای و میدانی بوده است. مطالعات کتابخانه‌ای، با بررسی منابع و پیشینه اطلاعات اخذ شده از گزارشات بررسی و کاوش‌های باستان‌شناسی در این حوزه فرهنگی در پنج دهه اخیر به انجام رسیده و مطالعات میدانی با حضور در بخش سکه و مهر موزه ملی ایران، بازدید از محوطه باستانی کلورز و موزه باستان‌شناسی و مردم‌شناسی گنجینه رشت در گیلان بوده است؛ ازسوی دیگر، برای تاریخ‌گذاری و شناخت این مهرهای آسیب‌دیده نیاز به مستندات تصویری، قالب‌گیری و طراحی مهرها بود که در طی مطالعات به انجام رسید.

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش‌های باستان‌شناسی در دره کلورز به دهه چهل خورشیدی بازمی‌گردد. در این دوران هیتتی به سرپرستی «علی حاکمی» با همکاری باستان‌شناسانی چون «محمود کردوانی»، «عبدالحسین شهیدزاده» و «علی اکبر سرفراز» در مناطقی از گیلان چون: لیلی جان، کلورز، جوبن،

سندس و نقاط دیگر باستانی به بررسی و کاوش‌های باستان‌شناسی پرداخت و طی چند فصل کار به آثار ارزنده‌ای از ادوار مختلف هزاره دوم پیش از تاریخ تا عصر ساسانی دست یافتند؛ بنابراین علی حاکمی نیز در سال‌های ۱۳۴۶ الی ۱۳۴۸ ه.ش.، کلوزز را که شامل مجموعه‌ای از محوطه‌های گورستانی چون: گنج‌پر، کافرکش (داغ‌دالان) زرین‌دار و جلالیه را بررسی و سپس کاوش کرد. او به آثار ارزشمندی از یافته‌های فرهنگی و معماری این محوطه‌ها، مربوط به اواخر هزاره دوم و اول پیش از تاریخ و دوره اشکانی بود، برخورد کرد. ادامه این کاوش‌ها در محوطه گورستانی کلوزز که ۲۰۰ متری تپه واقع شده بود، توسط عبدالحسین شهیدزاده به مدت یک فصل در سال ۱۳۴۸ ه.ش.، ادامه یافت. کاوش گورستان کلوزز منجر به شناخت سبک‌های گوناگون گورها به شکل حفره‌ای، گورهای با سرپوش سنگی، خمره‌ای و آثار معماری شد (حاکمی، ۱۳۴۷: ۲۲-۲). محمدرضا خلعتبری بعد از یک وقفه طولانی در سال ۱۳۷۰ ه.ش.، پس از زلزله بزرگ رودبار که در سال ۱۳۶۹ ه.ش. رخ داد. کاوش اضطراری در گورستان کلوزز را در روستای جلالیه آغاز کرد. این کاوش منجر به کشف ۱۸ گور از نوع: چهارچینه، سنگی، حفره‌ای ساده و مجموعه‌ای از آثار فرهنگی از جمله مهر مسطح مفرغی منتهی شد. خلعتبری نیز براساس تاریخ‌گذاری انجام شده، در مقایسه با مهرها و آثار به دست آمده از گورستان مارلیک، تاریخ این گورها مربوط به اوایل هزاره اول پیش از تاریخ است. (خلعتبری، ۱۳۷۶: ۱۰۸). هیئت مشترک ایران و ژاپن به سرپرستی «جبرئیل نوکنده» و «اوتسو تاداهیکو» در سال ۱۳۸۰ ه.ش.، بررسی دیگر محوطه‌های باستانی در این محدوده جغرافیایی را آغاز کردند. از بین محوطه‌های بررسی شده، تپه جلالیه را به عنوان محوطه‌ای شاخص و بااهمیت به عنوان تنها تپه‌ای که دارای بقایای معماری پیش از اسلام را در خود حفظ کرده بود، مورد مطالعه، بررسی و کاوش لایه‌نگارانه قرار دادند (نوکنده و فهیمی، ۱۳۸۲: ۳۸).

در سال ۱۳۸۴ ه.ش.، خلعتبری با توجه به اهمیت محوطه، تپه کلوزز را از نظر شناخت دوره‌های فرهنگی، در طی یک فصل کاوش لایه‌نگاری را در شیب شمالی تپه به انجام رسانید؛ او هم چنین توانست به اتکای لایه‌های استقرار، آثار به دست آمده و نهشته‌های معماری تاریخ‌گذاری این محوطه را از دوره اشکانی تا قرون هفتم و هشتم پیش از تاریخ کاملاً مشخص کند (خلعتبری، ۱۳۹۲: ۸۷-۸۶)؛ کاوش‌ها در سال ۱۳۸۵ ه.ش.، ادامه یافت و منجر به شناسایی آثار معماری ارزشمندی شد که از مواد و مصالح سنگ، آجر ساخته شده بودند. نتایج این کاوش‌ها در نهایت منجر به شناخت سه لایه استقرار متفاوت از یکدیگر شد؛ لایه‌های ۲ و ۳، عصر آهن تاریخ‌گذاری شد. کهن‌ترین لایه با پنج مرحله ساخت با تاریخ‌گذاری مطلق متعلق به سده‌های ۷ و ۸ پ.م. است (خلعتبری، ۱۳۹۲: ۲، ۸۶-۸۷، ۱۹۵-۱۹۶). در یک منظر تاریخی و فرهنگی، آثار به دست آمده از دست‌ساخته‌های موجود در گورها طی کاوش‌های انجام یافته در کلوزز یافته‌های ارزشمندی از طلا هم چون جام استوانه‌ای شکل که سطح خارجی آن با نقوش هندسی، گیاهی و جانوری حکاکی شده، قابل مقایسه با شیوه ساخت جام‌های طلایی از محوطه‌های مارلیک و حسنلو است. از دیگر سو، زینت‌آلات طلا چون: گردنبند، گوشواره و مهر و مهره‌هایی از جنس بدل چینی و مفرغی یافت شده، مشخصه‌های عصر آهن در ایران و پیوندهای فرهنگی را در این دوران نشان می‌دهد. ظروف سفالی هم چون ظرف مجسمه‌ای مردی که در دستان خود، ۷ ظرف گلی توخالی کوچک با دهانه منقاری شکل گرفته است. این نوع ظرف در سرتاسر غرب آسیا به اشکال مختلف وجود دارند. ظروف سفالی دیگری از لایه‌های دوم و سوم در سه شکل: لبه سه‌گوش، لبه صاف شکسته فشرده و تورفته، شناسایی شد که به طور مشترک ویژگی سنت ساخت سفال مشخص تپه کلوزز یا جلالیه است. این نوع سفال‌ها می‌توانند در مقایسه با یافته‌های سفالی از لایه بالایی قلعه کوتی ۱-۵ و دیلمان ب-۳ باشند که خود نشانگر این نزدیکی فرهنگی در مجاورت محوطه‌های هم‌زمان است (ادچی، ۱۳۹۱: ۵۵۰)؛ بنابراین، هدف در این مطالعه مقدماتی، بررسی مهرهای استوانه‌ای

بدل چینی است که در کاوش‌های علی حاکمی به دست آمده است و تاکنون پژوهشی در این زمینه صورت نگرفته است (تصویر ۱).



تصویر ۱. طرح مهر مسطح مفرغی کلورز (خلعتبری، ۱۳۹۲: ۲۱۵)، قابل مقایسه با مهر مسطح مفرغی به شکل گاو کوهان دار مارلیک شماره حفاری ۱۱۷۰ و شماره موزه ملی ایران ۲۳۹۴ (نگهبان، ۱۳۵۶: ۱۵۰).

موقعیت جغرافیایی و تاریخی سپیدرود

حوضه آبریز سپیدرود بنا به شرایط اقلیمی و زیست محیطی مناسب با بهره‌گیری از منابع طبیعی و اقلیم نیمه استوایی از دیرباز مورد توجه گروه‌های انسانی بوده است. این رود که از پیوستن دو رود شاهرود و قزل اوزن در نزدیکی منجیل تشکیل می‌شود، سهم بسزایی در ایجاد فرهنگ‌های باستانی این ناحیه داشته است. نام بومی سپیدرود، به‌ویژه در استان گیلان، «اسپی‌بیه» یا «اسپی‌رو» (دومورگان، ۱۳۳۸: ۲۰۹) در زبان گیلکی معنی «رود سفید» می‌دهد. برخی از اوستاشناسان، سفیدرود را همان رود دائیتی در اوستا می‌دانند (خودزکو، ۱۳۵۴: ۴۰-۱۹). «دیاکونوف» نام قدیم سفیدرود را «آمرد» یا «آماردوس» ذکر می‌کند و می‌نویسد: «منطقه کوهستانی واقع در جنوب شرقی مسیر پایین رود ارس و نواحی مصب قزل اوزن که توسط قبایل کادوسیان و کاسپی‌ها مسکون بوده، مطیع ماد نگشته و جزو آن سرزمین محسوب نمی‌شود. یونانیان نام این رود را از قوم جنگجوی آمارد که در گیلان و مناطق غربی مازندران فعلی می‌زیستند، اخذ نموده‌اند (دیاکونوف، ۱۳۷۹: ۷۹، ۲۱۰، ۳۱۲ و ۶۲۳). در دوران اسلامی «النهر الابيض»، نامی است که در زبان عربی برای این رود به‌کار بردند؛ «النهر» به معنی «رود»، «والابيض» به معنی «سفید» است؛ بنابراین، در طی هزاران سال با توجه به یافته‌های فرهنگی به دست آمده در این حوزه جغرافیایی، به‌ویژه در اواخر هزاره دوم پیش از میلاد در این منطقه ساختارهای جدید اجتماعی و فرهنگی به وجود آمده است. از شاخص‌ترین این محوطه‌ها در میان شماری از استقرارهای در دو سوی سپیدرود بررسی و کاوش شده را می‌توان به گورستان چراغعلی تپه یا گورستان مارلیک که در سال ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ ه.ش.، توسط «عزت‌الله نگهبان» در شرایط اضطراری کاوش شد، اشاره داشت. (نگهبان، ۱۳۴۳: ۱۰-۱۳ و ۲۲).

موقعیت جغرافیایی و زمین‌شناسی محوطه باستانی کلورز در دشت رستم‌آباد

محوطه‌های باستانی بسیاری در حاشیه سپیدرود و در مجاورت گورستان باستانی مارلیک در طی بررسی‌های باستان‌شناسی در پنج دهه اخیر توسط هیئت‌های باستان‌شناسی شناسایی شده

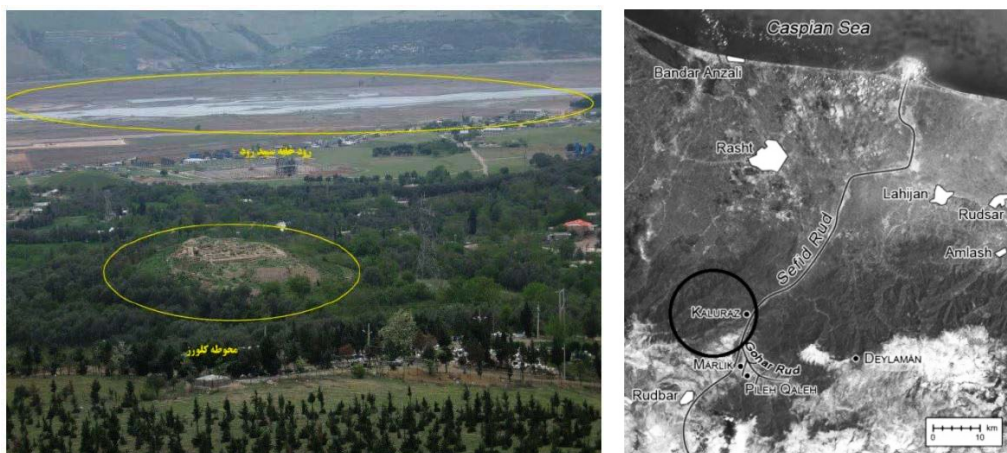
است؛ ازجمله یکی از مهم‌ترین آن‌ها، محوطه گورستانی و تپه باستانی کلورز است. این محوطه باستانی، در موقعیت ۳۶ درجه و ۵۳ دقیقه و ۳۲ ثانیه عرض شمالی و در ۴۹ درجه ۲۵ دقیقه و ۵۸ ثانیه طول شرقی واقع شده و ارتفاع آن از سطح دریا ۳۳۰ متر و از سطح دشت ۲۶ متر است. کلورز در غرب سفیدرود، در مسیر جاده آسفالت تهران به رشت در ۵ کیلومتری شمال رودبار، در یک کیلومتری غرب شهر رستم‌آباد و به فاصله ۸۵ کیلومتری ساحل دریای مازندران در استان گیلان واقع شده است. این گورستان باستانی در فاصله‌ای نزدیک و در همسایگی، محوطه باستانی مارلیک، در میان باغات زیتون و انار قرار گرفته است. ازسوی دیگر، محوطه‌های باستانی بسیاری ازجمله جوبین و نصفی در اطراف کلورز قرار دارند، نشان از موقعیت مناسب استقراری آن دارد. دیگر محوطه مهم باستان‌شناسی گیلان، یعنی «دیلمان» در آن سوی کوه درفک است. روستای کلورز از دو آبادی کوچک به نام‌های «کلورز» و «جلالیه» تشکیل شده که در دره‌ای سرسبز از غرب به شرق کشیده شده است. رودخانه کوچکی، از کوه‌های سلان سرچشمه می‌گیرد، از غرب کلورز گذشته و نهایتاً به سفیدرود می‌پیوندد (حاکمی، ۱۳۴۷: ۲؛ خلعتبری، ۱۳۹۲: ۸۵-۸۴). براساس مطالعات زمین‌ریخت‌شناسی دشت رستم‌آباد، یک حوضه رسوبی آبرفتی و در ارتفاعی مابین ۸۰۰ تا ۱۲۰ متر از سطح دریا قرار گرفته است. این دشت به‌طور متوسط ۱۲ کیلومتر طول و عرض دارد. دشت رستم‌آباد توسط رشته‌کوه‌های درفک (۲۷۲۰ متر) در شرق و نارنجکور (۲۰۰۰ متر) در غرب احاطه شده است. از دیدگاه زمین‌ریخت‌شناسی بخش‌های غربی دشت رستم‌آباد و تپه‌ماهورها از ۵ تراس رودخانه‌ای مربوط به رودخانه سفیدرود تشکیل شده و نهشته‌های این تراس‌ها مربوط به فرآیندهای رسوب‌گذاری در دوره‌های مختلف اقلیمی است. از لحاظ زمین‌شناسی نیز منطقه رستم‌آباد به زون البرز تعلق دارد و شامل ماسه‌سنگ‌های اوایل دوران سوم زمین‌شناسی شیل، توف و سنگ‌های آهکی است. رسوبات دوران چهارم زمین‌شناسی نیز به‌صورت تراس‌های رودخانه‌ای است (Maemoku, 2003: 86.91)، (تصاویر ۲ و ۳).



تصویر ۲. موقعیت جغرافیایی سفیدرود و محوطه‌های عصر آهن (نگارندگان، ۱۳۹۸)؛ چشم‌اندازی از دشت رستم‌آباد، رشته‌کوه درفک و تراس رودخانه‌ای سفیدرود (علی‌کاظمی، ۱۳۹۸).

معرفی مهرهای استوانه‌ای بدل چینی کلورز (ر. ک. به: جدول ۱)

مهرهای استوانه‌ای کلورز که در این مجموعه مورد بررسی قرار گرفته است را می‌توان جزو اسناد و مدارک اصیلی در این محوطه باستانی به حساب آورد که مطالعه جامع این مهرها می‌تواند دریچه تازه‌ای بر گستره دانش باستان‌شناختی این حوضه جغرافیایی با دیگر حوزه‌های فرهنگی هم‌زمان خود در این محدوده جغرافیایی بگشاید. این مطالعات بر روی هشت عدد از مهرهای استوانه‌ای شکل بدل چینی سامان دهی شده انبارهای موزه ملی ایران در سال ۱۳۸۹ ه.ش.، که در بخش سکه و مهر موزه ملی ثبت و نگه‌داری می‌شد، توسط نگارندگان در سال ۱۳۹۳ ه.ش.، مورد بررسی و مطالعه قرار

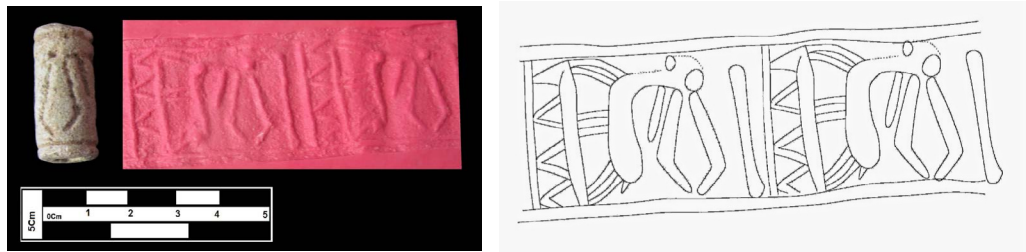


تصویر ۳. عکس هوایی از موقعیت جغرافیایی محوطه باستانی کلورز در کنار ساحل دریای مازندران (<http://www.iranicaonline.org>) و چشم‌اندازی از محوطه باستانی کلورز در کنار سپیدرود (علی کاظمی، ۱۳۹۴).

گرفت. بررسی‌های اولیه بر روی این مهرها نشان داد که مهرها از جنس کوارتز و گل رس بودند که بر اثر رطوبت منطقه، لعاب سطح‌شان پوسیده و ساییده شده بود. این روند منجر به آسیب دیدن و محو شدن جزئیات نقش‌های سطح مهر گردیده است. روش ساخت این مهرهای استوانه‌ای شکل بدین صورت بود که زمانی که هنوز خمیر گل نرم و خام بودند، هنرمند صحنه اطراف استوانه را با خطوط روان ساده نقش‌اندازی و حکاکی کرده است. او با رد کردن نخ برای نگه‌داری مهر برای صاحب کالا و یا برای غلطاندن مهر بر روی کالا، سوراخی را در مقطع طولی آن تعبیه می‌کرد که پس از حرارت دادن و پخت، به ماده‌ای سخت تبدیل می‌شد. موضوعات ترسیم‌شده بر روی مهرها شامل: نقوش انسانی، هندسی، گیاهی و جانوری بوده است^۲ و از نظر موضوع سبک‌شناسی، این تصاویر منعکس‌کننده ویژگی‌های زندگی کشاورزی و شرایط زیست‌محیطی و ارتباطات و تبادلات ساکنان این حوزه فرهنگی بوده است. براساس بررسی‌های انجام‌شده، این مهرها دارای سبکی محلی بوده، یا متأثر از ویژگی‌های دیگر مراکز فرهنگی مجاور بهره‌گرفته شده است. در ادامه به بررسی و معرفی ویژگی‌های ظاهری و فیزیکی مهرهای بدل‌چینی کلورز پرداخته شده است.

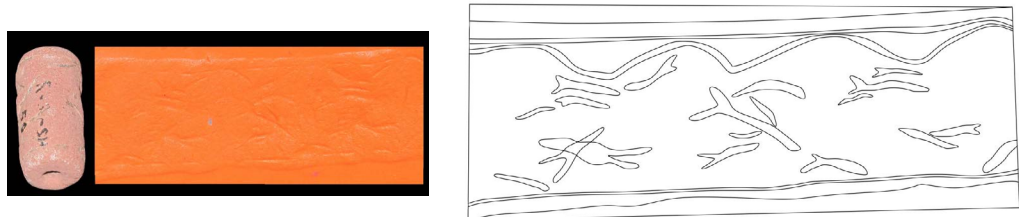
- مهر استوانه‌ای خاکستری‌رنگ بدل‌چینی به شماره موزه ۳۷/۱ (کلورز)، (تصویر ۴)
 مهر استوانه‌ای خاکستری‌رنگ از جنس بدل‌چینی به ابعاد $2 \times 1.7 \text{ cm}$ ، نقوش حکاکی‌شده بر روی این مهر عمودی بوده، سطح مهر بر اثر طول زمان و رطوبت محوطه فرسوده شده و به دلیل ساییدگی جزئیات نقش به طور واضح مشخص نیست. ترکیب صحنه اصلی روی مهر طرح‌های هندسی چون نوارهای زیگزاگ با خطوط نواری افقی محصور شده که به نظر می‌رسد تصویری از کوهستان را به بیننده القا می‌کند. صحنه اصلی نقوش جانوری به شکل بزکوهی دارای شاخ‌های بلند در حال حرکت بر روی خطوط نقش شده است. بدن بزکوهی با خطی صاف، سر دایره‌ای متحدالمرکز و چشم به صورت یک حفره سوراخ شده است. این نوع نمایش چهره و طرح چشم‌ها در هنر مهرسازی مارلیک رایج و قابل مقایسه با نوع حکاکی در هنر میتانی‌ها است و اصطلاحاً به آن «سوراخ‌ته‌ای» می‌گویند^۳ (نگهبان، ۱۳۵۶: ۱۱). این نقش برگرفته از طبیعت، و نشان‌دهنده اهمیت جانوران در چرخه زندگی مردمان این حوزه جغرافیایی بوده و نمونه‌هایی از این نقش بر اکثر ظروف فلزی و سفال در این حوزه فرهنگی دیده می‌شود. حاشیه‌های نقش، ردیف‌هایی از

نوارهای ساده نقش اصلی را فراگرفته است. نقوش این مهر قابل مقایسه است با عناصری نقشی در هنر مه‌رسازی مارلیک از جمله، مهر بدل چینی با شماره‌های کاوش ۱۰۸۹ و ۱۰۹۳، نقش مثلث و نوار زیگزاگ یا نقش نقطه‌های دایره‌ای شکل است. این طرح در اکثر نقوش مهرهای مارلیک به عنوان یک عنصر اصلی و محلی دیده می‌شود (نگهبان، ۱۳۵۶: ۱۳۲-۱۳۳، ش. ۶، ۴). شایان ذکر است نقوش هندسی شامل باندهای عمودی افقی و طرح خطوط، ردیف‌های عمودی از زیگزاگ‌ها یا نقوش مثلثی شکل در گونه‌شناسی این سبک می‌تواند محلی باشد. این طرح‌ها در محوطه‌های مهم در شمال غرب ایران با قدمت عصر آهن II و III، در یک محدوده زمانی، تاریخ‌گذاری آن از قرن نهم تا پایان قرن هفتم پیش از میلاد مسیح است؛ از جمله حسنلوی دوره IVB (Marcus, 1996: 57-77)، مارلیک (Negahban 1996: nn. 481-482; Ascalone & Basseri, 2014: 34)، تالش (خلعتبری، ۱۳۹۲: ۲۱۲؛ نیاکان و همایون، ۱۳۹۶: ۴۷۱) بیانگر انتشار گسترده این مهر و مهره‌ها در شمال غرب ایران و در مجاورت دریای مازندران و محدوده‌های جغرافیایی این پژوهش قرار دارند.



تصویر ۴. کلورز، تصویر و طرح مهر استوانه‌ای خاکستری‌رنگ (نگارندگان، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۸).

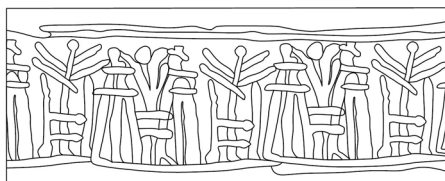
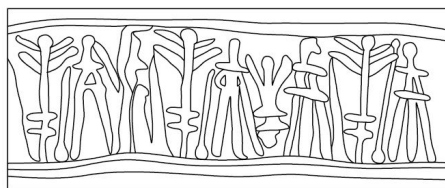
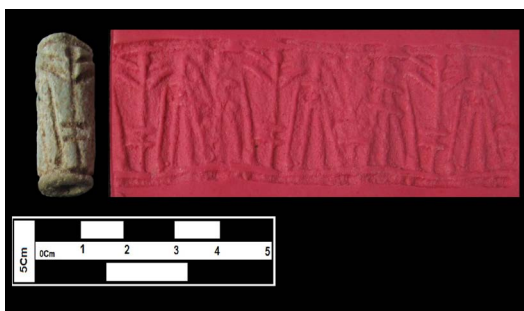
- مهر استوانه‌ای صورتی/قهوه‌ای‌رنگ، بدل چینی شماره موزه ۱۷ (کلورز)، (تصویر ۵)
مهر استوانه‌ای صورتی‌رنگ مایل به قهوه‌ای از جنس بدل چینی با ابعاد: ۲/۲ cm × ۸ mm که به دلیل سائیدگی بسیار، جزئیات نقش به طور واضح مشخص نیست. نقوشی حکاکی شده بر سطح مهر، طرحی از ماهی‌های رودخانه‌ای در حال جست و خیز را با خطوطی ساده نشان می‌دهد. در بخش بالایی مهر خطوطی افقی نواری شکل و خط‌هایی شبیه به موج آب حکاکی شده است. باتوجه به نقش ماهی‌ها و موج آب بر روی این مهر، تحلیل آن بیانگر طبیعت و شرایط زیست محیط منطقه است. هم‌اکنون در این رود ۴۵ نوع ماهی‌های بومی و مهاجر زیست می‌کنند و نشان دهنده اهمیت جانوران آبی در چرخه زندگی مردمان این حوضه جغرافیایی بوده است. ساخت این مهر با توجه به نوع نقش احتمالاً می‌تواند در کارگاه‌های محلی رخ داده است. مهر دارای سوراخی در جهت طولی استوانه برای عبور بند یا چرم برای آویزان کردن مهر برای صاحب کالا و یا برای عبور چوب برای غلطاندن مهر بر روی کالا تعبیه شده است.



تصویر ۵. کلورز تصویر و طرح مهر استوانه‌ای صورتی‌رنگ (نگارندگان، ۱۳۹۹).

دو مهر استوانه‌ای خاکستری‌رنگ بدل چینی شماره موزه: ۲۰. ۳۷ و ۳۷,۷ (تصویر ۶)

دو مهر استوانه‌ای خاکستری‌رنگ از جنس بدل چینی با ابعاد $۲/۸ \times ۱/۲$ و $۲/۴ \times ۱/۱$ cm است. دو مهر دارای صحنه‌های مشابه با شیوه‌های تقریباً یکسان حکاکی شده و به دلیل آسیب دیدگی جزئیات نقش مهرها برای توصیف به طور واضح مشخص نیست. ترکیب اصلی صحنه مهرها، نقش مایه‌ای مسبک با خطوطی از پیکره انسان ایستاده است. دست انسان بر ابزار چوبی بلند که ظرفی مدور در انتهای آن قرار گرفته و در برابر درختی دارای ساقه‌ای بلند، ایستاده است؛ حد ساقه‌ها به شاخه‌هایی با خطوط اریب موازی کوتاه، به صورت قرینه از یکدیگر نقش شده است، در نهایت انتهای این ساقه به نقشی دایره‌ای یا توپی شکل که نمایی از گل یا میوه‌ای است ختم می‌گردد؛ در پشت او به صورت متقارن، درختی دیگر دارای ساقه‌ای بلند، که حد ساقه‌ها به شاخه‌هایی با خطوط اریب موازی کوتاه، به صورت قرینه از یکدیگر نقش شده است. بر سر هر شاخه‌ای نقش دایره‌ای که نمایی از گل یا میوه‌ای است و احتمالاً میوه زیتون باشد؟) نقش شده است. شایان ذکر است در گذشته‌های دور تا حدود صدسال پیش مشابه چنین ابزاری برای جمع‌آوری دانه‌های درخت زیتون، از درختان بومی باغات منطقه استفاده می‌شده است. ترکیب این نقش از نوع صحنه‌ای منحصربه‌فرد است و می‌تواند با نواحی جنگلی ارتفاعات کلورز که دارای درختان زیتون است، مقایسه کرد. این سبک نقشی از درخت در هنر مهرسازی توسط هنرمندان مارلیک و میتانی رایج بوده، با توجه به شرایط جغرافیایی مشابه کلورز، مارلیک و شرق مدیترانه این نوع نقش بر مهرها رواج داشته و قابل مقایسه با مهر شماره ۱۰۹۴ از گورستان مارلیک (نگهبان، ۱۳۱: ۳۵۶، ش. ۱)، محوطه حسنلو در دوره IVB (Marcus, 1996: mn. 57-77) است. حاشیه این صحنه به وسیله دو خط مستقیم ساده نواری شکل، نقش را محصور کرده است. مهر دارای سوراخی در جهت طولی استوانه است برای عبور بند یا چرم برای آویزان کردن مهر برای صاحب کالا و یا برای عبور چوب برای غلطاندن مهر بر روی کالا تعبیه شده بود. با توجه به این که این دو مهر دارای یک سبک نقشی و یا ابعاد تقریباً یکسان هستند، این حدس را می‌توان زد این مهرها در یک کارگاه مهرسازی ساخته شده و می‌تواند به یک فرد صاحب منصب آن جامعه که در امر تبادلات و ارتباطات تجاری و یا اداری بوده، نسبت داده شود. شایان ذکر است، سنت طراحی از درخت زندگی

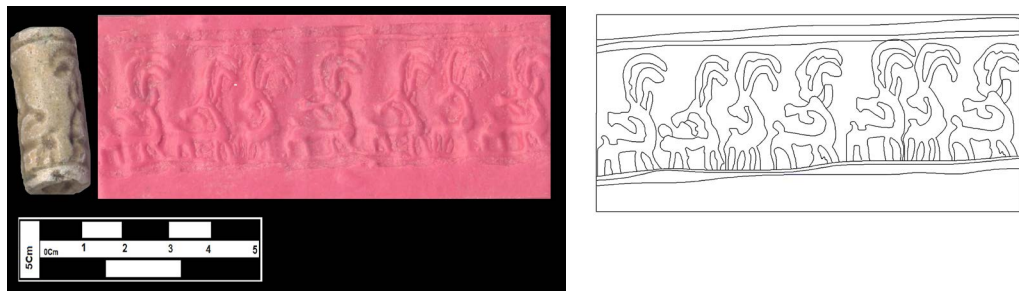


تصویر ۶. کلورز، تصویر و طرح دو مهر استوانه‌ای خاکستری‌رنگ (نگارندگان، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۸).

دارای تاریخ طولانی در شرق میانه باستان است. این نقش از دوره اوروک اولیه، اکد و سلسله اور با طرحی انسانی در کنار درخت بر مهرها دیده شده است، این نقش در هنر میتانیان به درخت زندگی که نماد جاودانگی، طبیعت و باروری مشهور است. طرح مشابه آن در هنر آشور به اواخر میانه هزاره دوم پیش از میلاد تاریخ گذاری شده، هم چنین مشابه درخت زندگی مربوط به حکاکان میتانی است که در کاوش های نوزی مشاهده شده است. مهرهای مشابه از تزئینات درخت همانند سبک کرکوک به وسیله کنتنو به اواخر هزاره دوم پیش از میلاد نسبت داده شده است. این دو مهر با صحنه های مشابه و شیوه های حکاکی شده را می توان در هزاره اول پیش از میلاد تاریخ گذاری کرد (نگهبان، ۱۳۵۶: ۱۶-۱۷).

- مهر استوانه ای خاکستری رنگ بدل چینی شماره موزه: ۳۷,۵ (تصویر ۷)

مهر استوانه ای خاکستری رنگ از جنس بدل چینی و لعاب دار (با ابعاد $1/8 \times 2/8$ cm)، ترکیب بندی در نقش اصلی نقوش جانوری را به نمایش گذارده است. بزهای کوهی نر با شاخ های بلند و ضخیم و با ریش بلند، سر به عقب برگشته به صورت گروهی و یا رمه ای در حال حرکت اند، حاشیه ای از خطوط افقی به شکل نواری، صحنه را دربر گرفته است. بررسی این نقش بیانگر حرکت گله ای از بزهای نر با ریشی بلند، از خصوصیات این جانور است. از نظر موضوع، ترکیبی، نقوش جانوری این دوره اغلب به پشت سر و شانه خود نگاه می کند. این نوع ترسیم در هزاره اول پیش از میلاد به بعد در دوره آشور میانه از نظر سبک نقش اندازی و نوع حکاکی در مهرسازی محبوبیت خاصی یافته است و تمایل به واقعیت گرایی را به بیننده القا می کند که یادآور سبک اکدی است (Collon, 2002: 39-41, nn. 14-46)، با توجه به سبک موضوع و نوع حکاکی و نقش آن، مهر وارداتی بوده و به نظر می رسد در تبادلات و ارتباطات تجاری از مناطق شمالی زاگرس در این محدوده جغرافیایی وارد شده و بازتاب ارتباطات گسترده این حوزه فرهنگی با مناطق مختلف جغرافیایی است.

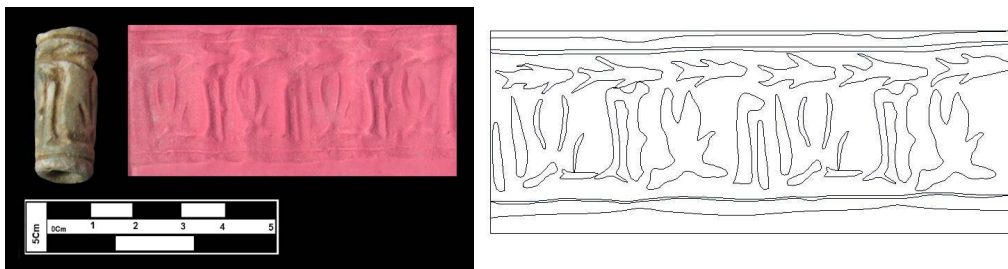


تصویر ۷. کلورز، تصویر و طرح مهر استوانه ای خاکستری رنگ (نگارندگان، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۳).

- مهر استوانه ای خاکستری رنگ بدل چینی شماره موزه ۳۷,۶ (تصویر ۸)

مهر استوانه ای خاکستری رنگ از جنس بدل چینی با لعاب آبی رنگ به ابعاد: $2/8 \times 1/2$ cm با ترکیب نقش بر روی مهر توسط مهرساز به صورت افقی و عمودی حکاکی شده است. سطح مهر فرسوده و ساییده شده است و نقوش به طور واضح مشخص نیست، در حاشیه بالای مهر طرحی از ردیف ماهی هایی در پشت سر یکدیگر به طور افقی در حال حرکت اند. نقش جانوری چهارپا، بزکوهی با شاخ بلند در حال آرمیدن و پرنده های مانند باز شکاری یا شاهین با بال های گشوده شده در حال پرواز به صورت مسبک نقش شده است؛ این صحنه در کادری حاشیه ای از خطوطی افقی به صورت نوارهایی توسط مهرساز حکاکی شده است. این مهر استوانه ای دارای سوراخی در جهت طولی استوانه برای عبور بند یا چرم برای آویزان کردن مهر و نگه داری آن توسط صاحب مهر و هم چنین

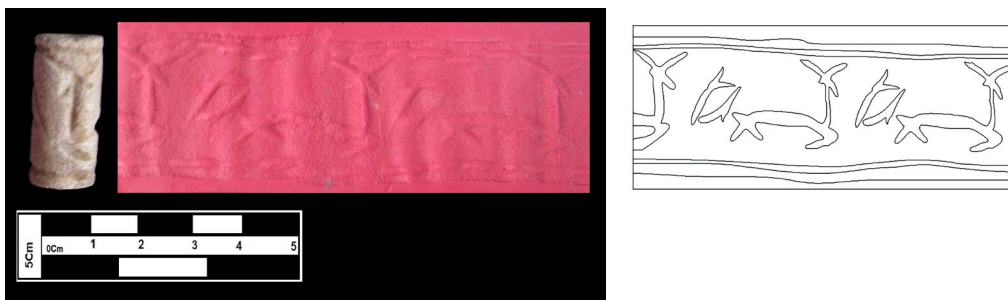
چرخاندن مهر بر روی کالا است. نقش این مهر تاحدودی قابل مقایسه با مهری استوانه‌ای از جنس سنگ سیاه حدید از تپه مارلیک است. نگهبان نیز معتقد بود، نقش میانی مهر یک بزکوهی خوابیده است که قدمت آن ۱۵۰۰ تا ۱۰۰۰ پ.م. است. نقش باز شکاری هم قابل مقایسه با نقش این مهر است (نگهبان، ۱۳۵۶: ۱۲، ش. ۱۳ و ۱۴). به نظر می‌رسد نقوش ماهی‌ها می‌تواند قابل مقایسه با نقش حاشیه‌ای از ردیف افقی ماهی‌هایی در حال حرکت که بر روی مهر شماره ۱۶ حسنلو حکاکی شده است، باشد (مارکوس، ۱۳۸۷: شماره ۱ پ-۳۲۲)، این مهر استوانه‌ای شکل از جنس کوارتز مربوط به عصر آهن I (۱۴۰۰-۱۲۰۰ پ.م.) است.



تصویر ۸. کلورز، تصویر و طرح مهر استوانه‌ای خاکستری‌رنگ (نگارندگان، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۸).

مهر استوانه‌ای خاکستری‌رنگ بدل چینی شماره موزه ۳۷,۸ (تصویر ۹)

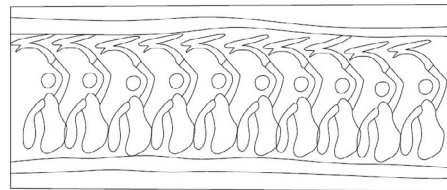
مهر استوانه‌ای خاکستری‌رنگ از جنس بدل چینی با ابعاد $2/5 \times 1/1$ cm است. این مهر دارای خطوط افقی و نوار حاشیه‌ای است. صحنه میانی مهر دارای نقوش جانوری به شکل بز در حالت نشسته، دارای گردنی بلند و بدنی کشیده به حالت سه‌رخ و نقش ماهی که ردیف بزها را از یکدیگر جدا می‌کند، توسط حکاک نشان داده شده است. این ترکیب نقشی، بیانگر سبکی مبتنی بر استفاده از خطوط و طرح‌های ظریف میزان دقت و مهارت به کار رفته را نشان می‌دهد. باتوجه به ساینده‌گی نقش مهر نشانگر دقت در عناصر تزئینی و هنری به کار گرفته شده است. ترکیب اصلی نقش، بن‌مایه‌هایی از بز و ماهی است؛ بدون تردید در بازتاب بخشی از زیست محیط و جغرافیایی کلورز و نحوه معیشت ساکنان حوضه سپیدرود است. این مهر باتوجه به نوع تنظیم صحنه و سبک، در کارگاه‌های محلی ساخته شده و می‌شود، تأثیرپذیری هنر مهرسازی مارلیک را در آن جست‌وجو کرد (نگهبان، ۱۳۵۶: ش. ۶). این مهر استوانه‌ای در جهت طولی آن سوراخی در وسط مهر برای عبور بند یا چرم برای آویزان کردن مهر و نگه‌داری آن توسط صاحب مهر یا چرخاندن مهر بر روی کالا ایجاد شده است.



تصویر ۹. کلورز، تصویر و طرح مهر استوانه‌ای خاکستری‌رنگ (نگارندگان، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۸).

مهر استوانه‌ای خاکستری‌رنگ بدل چینی شماره موزه ۷۳۳ (تصویر ۱۰)

مهر استوانه‌ای خاکستری‌رنگ از جنس بدل چینی به ابعاد اثر: $2/7 \times 1/1$ cm، با ترکیب اصلی نقش مهر صحنه‌ای از دو ردیف نقوش انسانی تمام رخ، کنار یکدیگر ایستاده و ابزاری در دستشان روی سرشان است؛ فرم ایستادن آن‌ها، به نظر می‌رسد حالت چیدن گندم و غلات را در برداشت محصول کشاورزی تداعی می‌کند. هنرمند مهرساز، داس و یا ابزاری محلی به نام «دریاز» که تقریباً شبیه این نقش است، در دست راست آنان حکاکی کرده است. ازسوی دیگر، شاید این حرکت مراسم جشن شکرگزاری کشاورزی را مهرساز به تصویر کشیده است. این سنت رقص پس از برداشت سالیانه کشاورزی، هنوز در برخی روستاهای شمال ایران رایج است. حاشیه مهر با دو نوار افقی محصور شده و نقش انسان به سبک خطی صاف با سر دایره‌ای شکل ترسیم شده است؛ این نوع نمایش چهره، در هنر مهرسازی مارلیک رایج و قابل مقایسه با نوع حکاکی در هنر میتانی‌ها است. این روش در تزئین نقوش مهر را «سوراخ مته‌ای» گویند (نگهبان، ۱۳۵۶: ۱۱). این نقش برگرفته از طبیعت منطقه و نشان‌دهنده اهمیت کشاورزی در چرخه زندگی مردمان این حوزه فرهنگی در هزاره اول پیش از میلاد بوده است. باتوجه به اهمیت این یافته فرهنگی، باوجود این که نقش موجود آسیب دیده است، می‌توان سبک پیشرفته به‌کار رفته در شیوه پرداخت مهر را به خوبی مشاهده کرد. این مهر نیز دارای سوراخی در جهت طولی استوانه در وسط مهر، برای عبور بند یا چرم برای آویزان کردن و نگه‌داری آن توسط صاحب مهر و هم‌چنین چرخاندن مهر بر روی کالا بوده است.











تصویر ۱۰. کلورز، تصویر و طرح مهر استوانه‌ای خاکستری‌رنگ (نگارندگان، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۸).

نتیجه‌گیری

امروزه مطالعه مهرها که در کاوش‌های باستان‌شناسی به دست می‌آیند، می‌تواند کمک بزرگی برای شناخت فرهنگ و تمدن مردمان گذشته باشد. پژوهش‌های باستان‌شناختی در حوضه جغرافیایی سپیدرود در پنج دهه اخیر براساس کاوش‌های باستان‌شناسی در گورستان‌های این حوزه فرهنگی توانست آگاهی‌های باستان‌شناختی را از اواخر هزاره دوم تا اول پیش از میلاد در این محدوده جغرافیایی آشکار سازد. از جمله یافته‌های ارزشمند به دست آمده از محوطه‌های گورستانی، می‌توان به نمونه مهرهای بدل چینی و مفرغی از گورهای محوطه باستانی کلورز اشاره کرد.

مطالعه مقدماتی بر روی این مهرها براساس دست یافتن به عناصر نقشی که بخشی از اسناد تصویری است، توانست درجه تازه‌ای، از شرایط زیست‌محیطی منطقه، ارتباطات فرهنگی و تبادلات تجاری از نهادهای اقتصادی-اجتماعی عصر آهن این حوزه فرهنگی را که هم‌زمان با محوطه‌هایی چون گورستان مارلیک و یا محوطه‌های شمال غرب چون حسنلو در اختیار ما قرار دهد. عناصر تزئینی و هنری به‌کار گرفته شده در این مهرها باتوجه به این که، بن‌مایه‌های اصلی مهرها نقش جانورانی چون: بزهای کوهی، ماهی‌های رودخانه‌ای، بازهای شکاری و درختان بومی منطقه و کشاورزی را نشان می‌داد، حاکی از تأمین معاش و اقتصاد معیشتی ساکنان حوضه سپیدرود

جدول ۱. بررسی و مقایسه مهرهای استوانه‌ای بدل چینی کلورز با دیگر محوطه‌های باستانی (نگارندگان، ۱۳۹۹).

شماره شکل	تصویر	شماره موزه	ابعاد مهر			نوع نقش					مهرهای قابل مقایسه ای	
			ارتفاع	قطر دهانه	قطر بدنه	هندسی	کلیسی	طبیعی	آبشار	تاج		دیسک
۴		۳۷، ۱	۲، ۷ CM	۱، ۲ CM	۲، ۸ MI	✓		✓			✓	حسنلو دوره IVB (Marcus 1996: nn.57-77) مارلیک (Negahban, ۲۰۰۰, 481-482, 1996) تاشی (Ascalone Basseri, 2014, p. 34)
۵		۱۷	۲، ۲ CM	۱، ۸ MI	۱، ۸ MI	✓		✓			✓	
۶		۳۷، ۲	۲، ۰ CM	۱، ۲ CM	۱، ۵ MI	✓		✓			✓	مارلیک (نگهبان، ۱۳۵۶: ۱۳۱: شماره ۱) حسنلو دوره IVB (مارکوس، ۱۹۹۶: شماره ۵۷-۷۷)
۶		۳۷، ۷	۲، ۰ CM	۱، ۲ CM	۱، ۵ MI	✓		✓			✓	مارلیک (نگهبان، ۱۳۵۶: ۱۳۱: شماره ۱) حسنلو دوره IVB (مارکوس، ۱۹۹۶: شماره ۵۷-۷۷)
۷		۳۷، ۵	۲، ۰ CM	۱، ۲ CM	۱، ۵ MI	✓		✓			✓	کلیس (Collon, 2002: 39-41, ۲۰۰۰, 14-46)
۸		۳۷، ۶	۲، ۰ CM	۱، ۲ CM	۱، ۵ MI	✓		✓			✓	حسنلو (مارکوس، ۱۳۸۷: شماره ۱-۳۲۲) مارلیک (نگهبان، ۱۳۵۶: ۱۳۱: شماره ۱)
۹		۳۷، ۸	۲، ۰ CM	۱، ۲ CM	۱، ۵ MI	✓		✓			✓	مارلیک (نگهبان، ۱۳۵۶: شماره ۴)
۱۰		۳۷، ۳	۲، ۰ CM	۱، ۲ CM	۱، ۵ MI	✓		✓			✓	مارلیک (نگهبان، ۱۳۵۶: ۱۳۱: شماره ۱)

بوده که بازتاب بخشی از زیست محیط و ارتباطات محوطه باستانی کلورز را ترسیم کرده است. وجود دو مهر مشابه یکدیگر در یک گور می‌تواند نشانگر فردی صاحب منصب در روند مبادلات و تبادلات اقتصادی این حوزه فرهنگی در زمان خود است. کیفیت هنری در ترسیم جانداران از مشخصه‌های سبک هنری این مهرها بود که تناسب و تحرک را به بیننده القا می‌کند. این نوع طراحی، نقش اندازی را در سایر آثار این حوزه فرهنگی چون گورستان مارلیک دیده می‌شود. فرآیند فوق نشان دهنده یک مکتب هنری واحد در این حوزه فرهنگی است، تنها مهری که سبک اجرای نقش و حکاکی آن با دیگر مهرها متفاوت است، مهری است با ردیفی از نقش بزهای کوهی نر، در ردیف‌های در حال حرکت با سرهای به عقب برگشته است. این نوع نقش متأثر از سبک مهرسازی دوره آشور میانی است. این مهر می‌تواند در اثر تبادلات و مبادلات تجاری وارد این حوزه فرهنگی شده باشد. گرچه فقدان کتیبه بر روی این مهرها تاریخ‌گذاری را دشوار کرده است، اما با توجه به کتیبه آشوری مهر استوانه‌ای بدل چینی و سربندی با کتیبه مانایی که در گورستان سلاطین مارلیک در همسایگی محوطه کلورز قرار دارد، به دست آمد و از دیگر سو، تشابهاتی در برخی یافته‌های فرهنگی از قبیل: جام‌ها و زینت‌آلات طلائی و نقره‌ای و مجسمه‌ها و مهر مسطح مفرغی و نوع سفال‌ها که در طی کاوش‌های گورستان کلورز در طی پنج دهه اخیر به دست آمده، بیانگر شرایط اقتصادی بسیار پویا با ارتباطات نزدیک و مبادلات اقتصادی ساکنان با مناطق هم‌جوار و هم‌زمان در جنوب دریای مازندران، به ویژه مارلیک و در شمال غرب در حوضه دریاچه ارومیه چون حسنلو بوده، بازتاب ارتباطات گسترده فرهنگی بین مناطق مختلف جغرافیایی در عصر آهن است. این خود گواهی بر یک مکتب هنری و مرکز تولید منطقه‌ای در بین محوطه‌های باستانی هم‌زمان وجود داشته که اثرات سبک مشترک از هنر محلی و تأثیر سبک میتانی‌ها را بر روی یافته‌های فرهنگی حاصل از کاوش را می‌توان دید. از جمله می‌توان به نمونه مهر و مهرهای بدل چینی و مهرهای مفرغی از عصر آهن از گورهای این گورستان‌ها به دست آمده اشاره داشت. نتیجه‌گیری کلی در مورد روند گونه‌شناسی و سبک‌شناسی مهرها ارائه شده است؛ و در نهایت نتایج این تحقیق

منجر به مستندسازی یافته‌ها و مقایسه آن با دیگر سکونتگاه‌های مهم هزاره اول پیش از میلاد در افق‌های فرهنگی معاصر مانند: مارلیک، تول تالش، حسنلو و بین‌النهرین شد.

سپاسگزاری

از سرکار خانم مهناز گرجی (مدیریت وقت) و جناب آقای دکتر جبرئیل نوکنده (رئیس موزه ملی ایران) تشکر می‌نمایم. هم‌چنین از خانم زهره باصری (سرپرست و امین اموال وقت بخش سکه و مهر موزه ملی ایران)، دکتر انریکو اسکالونه و دکتر عباس مترجم برای خواندن مقاله و پیشنهادهای ارزنده‌شان سپاس‌گزاری کرده و از آقایان علی کاظمی برای توصیف سنت‌ها و آداب کشاورزی و مردم‌شناسی منطقه کلورز و آقای وحید عزیزی‌آبی به جهت ترسیم طرح مهرهای کلورز قدردانی می‌شود.

پی‌نوشت

۱- هیأت مشترک ایران و ژاپن از بین محوطه‌های بررسی‌شده، در کرانه‌های غربی سپیدرود گیلان، تپه جلالیه را به‌عنوان محوطه‌ای شاخص و با اهمیت به‌عنوان تنها تپه‌ای که دارای بقایای معماری پیش از اسلام را در خود حفظ کرده بود، برای مطالعات انتخاب کردند؛ لذا این محوطه را به سه بخش جلالیه A، B و C تقسیم کرده و در این تقسیم‌بندی جلالیه A شامل تپه جلالیه، جلالیه B شامل محوطه گورستانی اوایل هزاره اول پیش از میلاد، جلالیه C شامل گورستان حاشیه جاده قدیم رشت-قزوین و جاده آسفالت رستم‌آباد به روستای جلالیه، واقع در جنوب تپه جلالیه و جلالیه B بود. بیش از این و براساس گزارش‌های منتشرشده شادروان علی حاکمی (Hakemi, 1973) اضافه شد و محمدرضا خلعتبری (خلعتبری، ۱۳۷۶) در بخش گورستان این محوطه به کاوش پرداخته بودند، از نام «کلورز» استفاده شده بود. اما با توجه به این‌که کلورز صرفاً به دره کلورز اطلاق می‌گردد و روستای موجود در این محدوده «جلالیه» نام دارد. هیأت مشترک این تپه را «جلالیه» نام‌گذاری کرد و آن را در فهرست آثار ملی با شماره ۹۳۹۱ به ثبت رسانید. علاوه بر آن محوطه گنج‌پر نیز که در جنوب غربی تپه جلالیه قرار دارد، دارای شواهدی از ابزارهای دوران پارینه‌سنگی قدیم است که قدمت آن به حدود یک میلیون سال پیش می‌رسد (نوکنده و فهیمی، ۱۳۸۲: ۳۰).

۲- مهرهای از جنس بدل چینی و خمیر شیشه تفاوت زیادی از نظر ترکیبات با یکدیگر ندارند، ماده اصلی بدل چینی سیلیس است. سیلیکا با درصد بالا با شکستن و خردکردن سنگ‌ریزه‌های کوآرتز ایجاد می‌شود. به‌نظر می‌رسد مهرهای بدل چینی در دو صورت پیش از خشک شدن و پس از خشک شدن قابل حکاکی‌اند. در واقع پیش از خشک شدن بدون استفاده از ابزار مهمی چون: مته امکان ایجاد نقش وجود داشته است. هم‌چنین بعد از خشک شدن کامل بدل چینی نیز از آنجا که این جنس سختی بالایی ندارد، ایجاد نقش به راحتی صورت می‌گرفته است. این نکته قابل ذکر است، خمیر شیشه به آن میزان که ذوب می‌گردد حرارت نمی‌بیند. خمیر شیشه معمولاً به رنگ‌های زرد، کرم، سفید، قهوه‌ای و خاکستری است و لعاب شیشه‌ای آن بیشتر به رنگ آبی و آبی مایل به سبز است. بدل چینی نیز دارای نوعی پوشش لعابی قلیایی است، که در اثر فرسایش یا رطوبت و عوامل محیطی به سادگی سطح آن فرسوده و از بین می‌رود (نگهبان، ۱۳۵۶: ۳).

۳- مهرهای میتانی از جنس بدل چینی یا سنگ گچ ساخته شده‌اند. سبک به‌کاررفته در تعبیه نقوش این گروه به نام سبک مهرسازی میتانی که در محوطه‌های باستانی میتانی در دره خابور بین‌النهرین مربوط به «شاهان میتانی» نام‌گذاری شد. از مشخصات این سبک خطوط ساده هموار با دایره‌های فرورفته هندسی به شکل سوراخ مته و استفاده از نقوش متقارن یا قرینه‌سازی است. مشخصه دیگر ترکیب حیوان بز و درخت مقدس در دو سوی درخت بود. این سبک متداول‌ترین نوع مهرهای استوانه‌ای در نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد را تشکیل می‌داد. این گونه مهرها را می‌توان بین قرون ۱۵ تا ۱۱ پ. م. را طبقه‌بندی کرد.

کتابنامه

- اداچی، تاکورا، (۱۳۹۱). «بازنگری گاه‌نگاری عصر آهن گیلان با بهره‌گیری از سفال‌های مکشوفه از تپه جلالیه». نامورنامه: مقاله‌هایی در پاسداشت یاد مسعود آذرنوش، تهران: نشر ایران‌نگار، صص: ۵۵۰.

- حاکمی، علی، (۱۳۴۷). «اشیاء مکشوفه در کلورز گیلان». یادنامه پنجمین کنگره باستان‌شناسی و هنر ایران، تهران: وزارت فرهنگ، صص: ۲۲-۲.

- خلعتبری، محمدرضا، (۱۳۷۶). «کاوش در کلورز». یادنامه گردهمایی باستان‌شناسی شوش، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، صص: ۱۰۸.

- خلعتبری، محمدرضا، (۱۳۹۲). گیلان در عصر آهن. گیلان: نشر گوی.

- خودزکو، الکساندر، (۱۳۵۴). سرزمین گیلان. ترجمه سیروس سهامی، تهران: انتشارات پیام.
- دمورگان، ژاک، (۱۳۳۸). مطالعات جغرافیایی هیأت فرانسه در ایران. ترجمه کاظم ودیعی، تبریز: انتشارات چهر.
- دیاکونوف، میخائیلوویچف، (۱۳۷۹). تاریخ ماد. ترجمه کریم کشاورز، تهران: مؤسسه علمی فرهنگی.
- مارکوس، میشل، (۱۳۸۷). مهرهای حسنلو. ترجمه علی صدراایی و صمد علیون، ارومیه: میراث فرهنگی آذربایجان غربی.
- نگهبان، عزت‌الله، (۱۳۴۳)، گزارش مقدماتی حفریات مارلیک چراغعلی تپه. هایت کاوش رودبار ۱۳۴۱-۱۳۴۰ با همکاری مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران و اداره کل باستان‌شناسی.
- نگهبان، عزت‌الله، (۱۳۵۶). «مهرهای مارلیک». مجله مارلیک، ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، شماره ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، صص: ۳۱-۵.
- نگهبان، عزت‌الله، (۱۳۷۲)، «حفاری هفت تپه دشت خوزستان». تهران: سازمان میراث فرهنگی، چاپ اول.
- نوکنده، جبرئیل؛ و فهیمی، حمید، (۱۳۸۲). «پژوهش‌های باستان‌شناختی هیأت مشترک ایران و ژاپن در کرانه‌های غربی سپیدرود، گیلان». گزارش‌های باستان‌شناسی ۲، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی صص: ۳۰-۳۸.
- نیاکان، لیلی؛ و همایون، فهیمه، (۱۳۹۶). «بررسی و مطالعه نقوش مهر و مهره‌های تالش در موزه ملی ایران». مجموعه مقالات همایش ملی تالش‌شناسی، تالش: نشر ایران‌نگار. صص: ۴۷۴-۴۷۱.

- Adachi, T., (2012). "Review of the chronology of the Iron Age of Gilan using the pottery discovered from Tappeh jalalieh". *Journal of Articles in Preservation of Massoud Azarnoush Memorial*, Tehran: Irannegar Publishing, Pp: 550 (In Persian).
- Ascalone, E. & Baseri, Z., (2014). "New Archaeological Finds from Ziwiye. Preliminary notes on the Ziwiye seals corpus". *Proceedings, 9th Icaane, Bassel*, Vol. 1, Pp: 31- 41 (In Persian).
- Collon, D., (1990). *Near Eastern seals*. Published by: British museum publication.
- Collon, D., (2002). *Catalogue of Western Asiatic Seals in the British Museum. Cylinder Seals V. Neo-Assyrian and Neo-Babylonian Periods*, London.
- Demorgan, J., (1959). *Geographical Studies of the French Delegation in Iran*. Translated by: Kazem Wadi'i, Tabriz: Chehr Publications (In Persian).
- Diakonov, M. (2000). *History of the Medes*. Translated by: Karim Keshavarz, Tehran: Scientific and Cultural Institute (In Persian).
- Hakemi, A., (1973). *Prehistoric discoveries in East Iran*. in: Illustrated London News.
- Hakemi, A., (1968). "Objects discovered in Clores of Gilan". *Memorandum of the Fifth Iranian Archaeological and Artistic Congress*, Tehran: Ministry of Culture, Pp: 2-22 (In Persian).
- Khalatbari, M. R., (1997). "Exploring the Kaluraz". *Memoirs of the Shousha*

Archaeological Conference, Tehran: Cultural Heritage Organization (Research Institute). Pp: 108 (In Persian).

- Khalatbari, M. R., (2013). *Gilan in the Iron Age*. Gilan: Goy Publishing (In Persian).

- Khodzko, A., (1975). *Land of Gilan*. Translated by: Sirius Sahami, Tehran: Payam Publications (In Persian).

- Maemoku, H., (2003). "Geomorphological feature in the western part of the rostam abad lowland North western Iran". *Preliminary Report of the Iran Japan joint Archaeological Expedition to Gilan*, Pp: 86-91.

- Marcus, M. I., (1996). "Emblems of Identity and Prestige: the Seals and Sealings from Hasanlu, Iran". *Hasanlu Special Series III*, Philadelphia, Pp: 57-77.

- Marcus, M., (2008). *Hasanlu seals*, Translated by: Ali Sadraei and Samad Aliun, Urmia: The cultural heritage of West Azerbaijan.

- Negahban, E. O., (1996). *Marlik. The Complete Excavation Report*. Philadelphia.

- Negahban, E., (1977). "Marlik seals". *Marlik Magazine*, Supplement to the Journal of the Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, No. 2, Tehran: University of Tehran Press (In Persian).

- Negahban, E., (1993). *Haft tape excavation of Khuzestan plain*. Tehran: Cultural Heritage Organization (In Persian).

- Neghaban, E., (1964). "Preliminary report of the excavations of Marlik Cheraghali Tappeh, Rudbar Drilling Board 1341-1340 in collaboration with the Archaeological". Institute of the University of Tehran and the General Directorate of Archeology (In Persian).

- Niakan, L., & Homayoun, F., (2017). "Study and study of seal designs and beads of effort in the National Museum of Iran". *Proceedings of the National Conference on Taleshology*, Talesh: Irannegar Publishing, Pp: 474-471 (In Persian).

- Nokandeh, J. & Fahimi, H., (2003). "Archaeological research of the joint delegation of Iran and Japan in the west coast of Speed Road, Gilan". *Archaeological Reports 2*, Tehran: Archaeological Research Institute, Pp: 30-38 (In Persian).